



کارگران معدن طلای آق دره، دیروز شلاق، امروز سرکوب ددمنشانه



صادق کار

کنندگان در این تجمع ۲۰ روزه نسبت به استخدام افراد غیر بومی و عدم استخدام اهالی بومی که خیلی هایشان به صورت فصلی و قراردادی در سال های گذشته در معدن اشتغال داشتند،

و شتم برهم زد. در جریان یورش ماموران انتظامی به این تجمع مسالمت آمیز تعدادی از بیکاران و اعضای خانواده هایشان که از روستاهای پیرامون معدن هستند، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و عده ای نیز مصدوم شدند. شرکت

خرداد ماه نیروی انتظامی با یورش ددمنشانه به تجمع ۲۰ روزه کارگرانی که به همراه خانواده هایشان برای بازگشت به کار در محل معدن طلای آق دره تجمع مسالمت آمیز کرده بودند، یورش برد و تجمع متقاضیان کار را با ضرب



عادلانه به نا حق محکوم به شلاق و جزای نقدی شدند.

انتشار خبر شلاق زدن کارگران با واکنش و اعتراض های گسترده افکار عمومی روبرو شد. در اثر این اعتراض ها مسئولان وزارت کار مجبور به کنار نهادن مدیر کل اداره کار آذربایجان غربی گردیدند. با این حال کارفرما پس از فروکش کردن اعتراض ها به جای دل جویی از کارگران شروع به تصفیه و اخراج کارگران کرد و کشاکش میان کارگران و پیمانکار تا کنون ادامه پیدا نموده و به پشت گرمی مسئولان و مقام های قضایی، کارفرما از استخدام مجدد کارگران محلی طفره می رود و شکایت کارگران هم به اداره کار و سایر نهادهای دولتی و قضایی راه به جایی نبرده است.

با این اوصاف اما به دلیل نبود کار در منطقه و شمار بالای بیکاران، به نظر نمی رسد که سرکوب اخیر جویندگان کار مانع ادامه اعتراض های آتی و حادثر شدن آن ها شوند. کارفرمای معدن و مقامات محلی می کوشند علاوه بر استفاده از زور و خشونت، با انداختن اختلاف میان کارگران بومی و غیر بومی آن ها را در به مقابله با هم سوق دهند و با این سوء استفاده دستمزدها را پایین نگه دارند، و سایر حق و حقوق قانونی کارگران را لگد مال کنند. با این حال

معدن در مراتع روستاهای ما واقع شده، بیشتر کارگران شاغل در این معدن غیر بومی هستند. فقط چند تن از اهالی روستاهای ما در این معدن کار می کنند، آن هم با قراردادهای فصلی. ما به نشانه اعتراض به بیکاری شدید، از بین رفتن مراتع مان و قراردادهای فصلی، دست به تحصن زدیم. اعتراض ما مسالمت آمیز و خواسته هایمان برحق است." برخورد شدید نیروهای انتظامی با معترضان جویای کار به حدی شدید بوده که حتی موجب اعتراض نماینده مهآباد در مجلس و نوشتن نامه به روحانی شده است. جلال محمودزاده، نماینده مجلس شورای اسلامی در این نامه خطاب به روحانی نوشته است "نیروی انتظامی مردم «بی پناه» روستای آق دره را که برای به کارگیری جوانان بیکار خود تحصنی مسالمت آمیز انجام داده بودند را مورد ضرب و شتم قرار داده و باعث مجروح شدن جمعی از اهالی، زنان و کودکان آق دره تکاب شده است"

در سال ۹۳ در پی اخراج ۳۵۰ کارگر معدن طلای آق دره توسط شرکت "پویا زرکان" که پیمانکار معدن است، کارگران معدن در اعتراض به اخراج این عده تجمع کردند. در اثر درگیری که بین کارگران و حراست پیش آمد، ۱۷ کارگر محاکمه و نا

ولی امسال کارفرما از استخدام مجدد شان خودداری کرده بودند، اعتراض داشتند. علت عدم استخدام کارگران محلی توسط کارفرما آن طور که گفته شده، اعتراض های صنفی کارگران معدن در سال گذشته است و کارفرما به انگیزه تنبیه کارگران بومی از استخدام دوباره آن ها که تجربه کاری بیشتری هم دارند، سرباز زد. در این میان آژانس خبری موکریان که با یکی از اهالی محل در مورد علت تجمع شان پرس و جو کرد است، از قول وی نوشته: " این

کارفرمای معدن و مقامات محلی می کوشند علاوه بر استفاده از زور و خشونت، با انداختن اختلاف میان کارگران بومی و غیر بومی آن ها را در به مقابله با هم سوق دهند و با این سوء استفاده دستمزدها را پایین نگه دارند



بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

معیشت آنان، از طریق پرداخت مستمری دوران بیکاری و تامین زندگی جزء وظایف دولت است. در این میان ایجاد تشکل های مستقل بیکاران در شهرها و روستاها، و ارتباط با تشکل های مستقل کارگری، همراه با انعکاس مبارزه در رسانه ها و فضای مجازی، می تواند، امکانی را برای شما بوجود آورد که در نهایت دولت و کارفرمایان مجبور به عقب نشینی شوند.

زادبوم شان، از طرف کارفرما و دولت، این انتظار را به همراه دارد که حداقل مسئولان دولتی به جای اعزام نیروهای سرکوب گر به مصاف کارگران و حمایت یک طرفه از کارفرما، بایستی این رویه زشت و ناپسند را کنار نهند و کارفرما را مکلف به رعایت حقوق کارگران و مردم بومی کنند و هم چنین به فکر ایجاد اشتغال برای بیکاران باشند. مادامی که دولت نتواند، برای بیکاران کار ایجاد کند، وظیفه تامین

این وضعیت برای مدتی طولانی قابل دوام نیست. بیکاران به خاطر نداشتن درآمد و محرومیت از حقوق دوران بیکاری به شدت تحت فشار معیشتی قرار دارند و اگر چاره‌ای برای رفع و کاستن از این فشار طاقت فرسا اندیشیده نشود، همین فشار موجب طقیان ناگزیر بیکاران در آینده نزدیک خواهد شد. اعتراض کارگران بومی، اعتراضی به حق و داشتن کار شایسته و مطمئن در مقابل تصاحب طلایی

از تجربه دیگران

جنبش اتحادیه های صنفی در بنگلادش

(بخش دوم)

مسائل، اهداف و مقررات

مصباح الدین احمد

ترجمه گودرز

پیش زمینه - ادامه

(RSP) هم رهبری فدراسیون چوتکال سرامیک را، با نفوذ زیادی در تشکل کارگران جوت میل، در دست داشت. اعتصاب این کارگران در ۱۹۶۴ و ۱۹۶۷ توسط همین فدراسیون سازماندهی شد.

در دوران پاکستان سه مرکز ملی در پاکستان شرقی وجود داشتند: فدراسیون کارگری شرق پاکستان، فدراسیون مزدور (کارگری) و فدراسیون پوربو سرامیک پاکستان، که تحت رهبری حزب کمونیست بود. علاوه بر این فدراسیون های مرکزی، حزب سوسیالیست انقلابی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

درصد	نوع مالکیت
۴۷	تحت مالکیت خصوصی پاکستانی
۲۴	E.P.I.D.C:
۱۸	تحت مالکیت بنگلادشی
۱	تحت مالکیت خارجی

مجموعاً ۸۱ درصد مالکیت صنایع در دست EPIDC بود یا بحال خود در بنگلادش به جا گذاشته شده بود، که در مارس ۱۹۷۲ تصرف شده و از آن میزان ۷۷ درصد صنایع ملی اعلام شده و بقیه ۲ درصد برای فروش به بازار عرضه شد، که بعداً تحت کنترل شرکت های بخش های دیگری قرار گرفتند. بعلاوه صنایع پارچه بافی، قند و مؤسسات مالی و برخی دیگر از صنایع سنگین هم ملی شدند. در نتیجه ناگهان اتحادیه های صنفی با وظایف گسترده ای روبرو شدند که برای آن آمادگی نداشتند، از جمله وظیفه اداره و مدیریت مؤسسات و صنایعی که مدیریت شان از طرف کارفرما قطع شده بود. در نهایت برای مدتی اتحادیه ها مسئول مدیریت اجرائی در تعداد زیادی از صنایع و مؤسسات بزرگ بنگلادش بودند. البته منفعت طلبانی هم بودند که برای نفع شخصی به اتحادیه ها می پیوستند.

در سال ۱۹۷۲ بنگلادش "قانون روابط صنعتی" مصوب ۱۹۶۹ را تأیید کرد، با این شرط که مقرراتی را برای نظارت بر روابط کارگری و رفع اختلاف به آن بیافزاید. ضمناً روز اول ماه مه برای اولین بار روز تعطیل عمومی شناخته شد.

در سال ۱۹۷۳ کمیسیون دستمزد کارگران صنعتی بوجود آمد تا سطح دستمزد ها و سایر منافع کارگری در صنایع عمومی را ترمیم نماید. قانون کارکنان صنایع تولیدی دولتی (شرایط خدمت و مواد قانونی) اجرائی شد تا اشل حقوق و دستمزد و سایر منافع کارگران را که قبلاً به تصویب کمیسیون دستمزدها رسیده بود، کنترل نماید.

از زمان تاسیس کشور پاکستان، تعداد قابل توجهی از قوانین و سیاست های کارگری وسیله دولت های مختلف اعلام و به اجرا گذاشته شدند. تقریباً دموکراتیک ترین آنها وسیله دولت سپهد هوائی نورخان در سال ۱۹۶۹ معرفی شد. سپس "قانون روابط صنعتی" در سال ۱۹۶۹ و پس از اعلام آن، قانون ادغام اتحادیه های صنفی و قانون رفع اختلافات کاری تصویب گردیدند. برای اولین بار مقررات تعیین حداقل دستمزد در سال ۱۹۶۹ نوشته شد که حداقل حقوق و دستمزد را برای کارگران غیر متخصص تعیین می کرد. این ها همه در پس زمینه اوج مخالفت و شورش کارگران در برابر حکومت نظامی ژنرال ایوب خان در پاکستان اتفاق افتاد که در پشتیبانی از جنبش بست نشینی (قیارو: Ghearo) برای دریافت حقوق کارگران بوجود آمده بود.

قیام توده ای دانشجویان، کارگران و جنبش سیاسی، ژنرال ایوب خان را مجبور به استعفا کرد و حاکم نظامی جدید قول اصلاحات سیاسی و دموکراتیک، انتخابات آزاد پارلمان و حق تشکل در اتحادیه های صنفی را داد. با این بست نشینی ها رهبران قدیمی اتحادیه ها از قدرت پایین کشیده شدند و بجایشان رهبران جدید با مواضع سیاسی تر به رهبری رسیدند. سه مرکز جدید ملی هم شکل گرفتند، لیگ جاتیو سرامیک، اتحادیه صنفی کندرا و فدراسیون سانگجوکتا سرامیک، که متشکل از سه حزب سیاسی عمده عوامی لیگ، CPB، سندبادی دال RSP بود، تأسیس گردیدند.

احزاب مختلف سیاسی سعی می کردند که با سازماندهی کارگران و از این طریق تأمین قدرت کنند. این مسئله باعث پدید آمدن اتحادیه های بیشتر و در عین حال انشعاب در میان اتحادیه های موجود شد. در فاز نهایی چالش برای آزادی در پاکستان، کارگران و اتحادیه های صنفی نقش های عمده بازی کردند. در مارس ۱۹۷۱ جنبش تهررد علیه حکومت نظامیان، اتحادیه ها نقش با اهمیتی بازی کردند و در عمل قدرت را بدست گرفتند و دستوراتشان را از رهبری شیخ مجیب الرحمن می گرفتند.

پس از استقلال بنگلادش، دولت مجبور شد مؤسسات و صنایعی که صاحبانشان به پاکستان گریخته بودند را تحت کنترل خود درآورد. نتیجتاً پس از استقلال مالکیت بخش صنعتی بصورت ذیل تقسیم شده بود:





بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

منفعت طلبانی هم بودند که برای نفع شخصی به اتحادیه ها می پیوستند.

در سال ۱۹۷۲ بنگلادش "قانون روابط صنعتی" مصوب ۱۹۶۹ را تأیید کرد، با این شرط که مقرراتی را برای نظارت بر روابط کارگری و رفع اختلاف به آن بیافزاید. ضمناً روز اول ماه مه برای اولین بار روز تعطیل عمومی شناخته شد.

در سال ۱۹۷۳ کمیسیون دستمزد کارگران صنعتی بوجود آمد تا سطح دستمزد ها و سایر منافع کارگری در صنایع عمومی را ترمیم نماید. قانون کارکنان صنایع تولیدی دولتی (شرایط خدمت و مواد قانونی) اجرائی شد تا اشل حقوق و دستمزد و سایر منافع کارگران را که قبلاً به تصویب کمیسیون دستمزدها رسیده بود، کنترل نماید.

مجموعاً ۸۱ درصد مالکیت صنایع در دست EPIDC بود یا بحال خود در بنگلادش به جا گذاشته شده بود، که در مارس ۱۹۷۲ تصرف شده و از آن میزان ۷۷ درصد صنایع ملی اعلام شده و بقیه ۲ درصد برای فروش به بازار عرضه شد، که بعداً تحت کنترل شرکت های بخش های دیگری قرار گرفتند. بعلاوه صنایع پارچه بافی، قند و مؤسسات مالی و برخی دیگر از صنایع سنگین هم ملی شدند. در نتیجه ناگهان اتحادیه های صنفی با وظایف گسترده ای روبرو شدند که برای آن آمادگی نداشتند، از جمله وظیفه اداره و مدیریت مؤسسات و صنایعی که مدیریت شان از طرف کارفرما قطع شده بود. در نهایت برای مدتی اتحادیه ها مسئول مدیریت اجرائی در تعداد زیادی از صنایع و مؤسسات بزرگ بنگلادش بودند. البته

دیگر کشورها

نقض پیوسته حقوق تشکل های کارگری کلمبیا



کانون متحده کارگران (کوت) در یکی از تظاهرات اعتراضی در کلمبیا

کل کانون متحده کارگران کلمبیا رسیده است.

نقض پیوسته حقوق تشکل های کارگری، مصونیت قضایی عاملان آن، فقر و نابرابری های اجتماعی ، هم چنان واقعیت روز کلمبیا است.

خلاصه ای از نامه " کانون متحده کارگران" کلمبیا به صد و ششمین کنفرانس سازمان جهانی کار در ادامه تقدیم شما می شود.

این نامه خطاب به گای رایدر، دبیر کل این سازمان نوشته شده و به امضاء لوئیس آلخاندرو پدرازا بسررا رئیس و فابیو آریاس خیرالدو، دبیر



پایتخت کوبا جریان داشته است، خوشحال هستیم و دفاع می کنیم. از توافقات بدست آمده نهایت استقبال را کرده و هم چنین با اشتیاق در فرآیندی که برای تصویب نهایی آن برگزار شد، شرکت کردیم و اکنون مصرا خواستار انجام مفاد یکایک این توافق هستیم. در عین حال دولت مذاکرات مشابهی را با " ارتش آزادیبخش ملی" در پرو پیش می برد که ما از آن هم با همان نیرو و اشتیاق دفاع می کنیم.

سندیکای ما همیشه برای حل معضلات اجتماعی و اقتصادی کارگران برای هرگونه تبادل نظر و مذاکره با دولت و صاحبان سرمایه و مدیران شرکت ها اعلام آمادگی کرده است، ولی متأسفانه اتخاذ سیاست های نئولیبرال توسط دولت بخش عظیمی از مردم میهن مان را بسمت فقر و بی خانمانی سوق داده است. در همین حال گسترش فساد در دستگاه های اداری امری نهادینه شده است.

اکثریت مطلق فقیر و آسیب پذیر جامعه از جانب دولت به توده هایی فراموش شده تبدیل شده اند. کاستی های عمیق اجتماعی و اقتصادی که دامن گیر این بخش از جامعه است، اعتراض ها و اعتصاب ها گسترده ای را در سراسر کشور باعث شده است. از جمله این جنبش های اعتراضی می توان از اعتصاب ها کارگران صنعت نفت در شهر " باررانکا برمخا " کارمندان وزارت کار که از دهم ماه مه که در اعتصاب هستند و از اعتصاب ها معلمان سراسر کشور نام برد.

مطابق گزارش PNUD کلمبیا به لحاظ داشتن شکاف های عظیم طبقاتی مقام هشتم در دنیا را اشغال می کند. بودجه ای که دولت برای خدمات اجتماعی برای هر فرد اختصاص داده است، یک چهارم بودجه ای است که سایر کشورهای آمریکای لاتین برای این منظور در نظر گرفته اند. مطابق آمار این مرکز کلمبیا در این زمینه برای هر نفر ۴۰۰ دلار در سال خرج می کند در حالی که در سایر کشورها این رقم به ۱۸۴۱ دلار افزایش پیدا میکند.

حداقل دستمزد تعیین شده در کلمبیا پایین ترین میزان در آمریکای لاتین است. رقمی معادل ۲۱۵ دلار. میان سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۱۶ نرخ رشد دستمزد ۱ درصد بوده است در حالیکه در سایر کشورها میان سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۱۳ این رشد ۱/۱ درصد ثبت شده است. نرخ رشد دستمزدها در کلمبیا بهیچ وجه جواب گوی رشد قیمت ها در زمینه مواد غذایی، ترانسپورت، مسکن و آموزش که مرتباً بالا می روند نیست.

**در کلمبیا اقامه
دعوا علیه
کسانی که
حقوق کارگران
را در محیط کار
نقض می کنند
وجود ندارد.
سیستم
بازرسی از
کارگاه ها بسیار
عقب مانده
است و سیستم
رسیدگی به
شکایات کاری و
کارگری توان
پاسخ گویی به
کلیه شکایات را
ندارد**

امروزه تمامی تشکل های کارگری از جمله " کانون متحده کارگران " از روند مذاکرات صلح میان دولت و نیروهای " فارک" (نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا) که در هاوانا



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰



عضویت در سندیکاها از مضمون قرارداد حذف شود.

نا ممکن سازی سازمان دهی اعتصاب ها از دیگر موارد نقض حقوق کارگران در کلمبیا است. دولت کلمبیا بانحاء مختلف تلاش می کند که کارگران را از اقدام به هرگونه اعتصاب باز دارد. گاهی اوقات از طریق مستقیم و ممنوع کردن آن و در اوقات دیگر از طریق گذاردن شرایطی بس دشوار که عملا امکان برآورد نشان غیر ممکن بوده و نتیجتا سازمان دهی اعتصاب را نا ممکن می کند. **بعنوان مثال کلیه کارگران و کارمندان بخش دولتی اجازه انجام هیچ گونه اعتراض و اعتصابی را ندارند.** تهدید به اخراج کارگرانی که اقدام به اعتصابات بدون مجوز می کنند از دیگر اهرم های جلوگیری از اعتراضات در شکل اعتصاب است.

باید تعقیب و پیگرد قضایی فعالان سندیکایی را به مجموعه مشکلات کارگران برای برخورداری از حقوق قانونی شان را به این مجموعه اضافه کنیم. از آنچه گفته شد، نتیجه می شود که حق سازمان دهی اعتصابات از حقوقی است که در کلمبیا به حاشیه رفته است. می توانیم اذعان کنیم که تنها ۲ درصد از مطالبات کارگران در کلمبیا از طریق اهرم فشار اعتصابات به نتیجه می رسند.

کلمبیا از جمله کشورهایی است که در آن احترام به حقوق فعالان تشکل های کارگری و سندیکاها مرتبا نقض می شوند. **قتل فعالان سندیکایی توسط شبه نظامیان امری معمول بوده است،** اکنون به لطف مذاکرات صلح انجام این جنایت ها کاهش پیدا کرده اند. البته این بدان معنا نیست که کلمبیا به کشوری تبدیل شده که حقوق سندیکاها در آن تضمین شده است، بلکه فقط می توان گفت از بدترین کشور آمریکای لاتین در زمینه احترام به حقوق فعالان تشکل

در عرصه آموزش عالی ۶۴ درصد از رشته های تحصیلی، هزینه ثبت نامشان به افزایشی معادل ۷ درصد رسیده و در ۲۱ درصد از رشته های دیگر این افزایش هزینه ثبت نام ۱۵ درصد بوده و با اطمینان می توان گفت که فقط در ۱۴ درصد رشته ها افزایش هزینه ثبت نام پایین ۶ درصد را نشان می دهد.

وضعیت اشتغال اسفبار است. تنها ۸/۷ درصد از مجموع ۲۲ میلیون کارگر شاغل از پوشش بیمه های درمانی برخوردارند.

به موازات نابسامانی های اقتصادی مشکلات عدیده ای را برای پیوستن کارگران به تشکل های کارگری ایجاد کرده اند. به لحاظ آماری می توان گفت که دو سوم کارگران شاغل نمی توانند به عضو شدن در سندیکاها نائل شوند و به این خاطر از پوشش حمایتی آن ها در مواقع ضرور محروم هستند. **بسیار معمول است که بهنگام امضاء قرارداد کار، داشتن حق**



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰



های کارگری به یکی از بدترین ها تبدیل شده است. این پیشرفت اندک برای سندیکای ما دلیلی برای دست افشانی نیست زیرا که می دانیم راهی بس طولانی برای پیمودن در پیش داریم.

در سال ۲۰۱۵ مطابق آمار رسمی تعداد اقدامات خشونت آمیز علیه سندیکاها ۲۰۴ مورد بوده است. در سال ۲۰۱۶ این رقم به ۲۶۸ مورد ارتقاء پیدا کرده است. ملاحظه می شود که در ظرف یکسال ۳۱/۲ درصد به عملیات خشونت آمیز علیه سندیکاها اضافه شده است، ولی نگرانی در اینجا متوقف نمی شود، بلکه مصونیت قضایی عاملان این جنایت ها عامل بزرگتر نگرانی ها هستند. دولت نشان داده است که هیچ گونه اراده ای برای کاهش این مصونیت قضایی در باره کسانی که علیه سندیکاها و فعالانشان خشونت را بکار می گیرند را ندارد.

بهنگام عقد قرارداد های کاری مذاکرات جمعی کارگران با کارفرمایان در سطح حداقل قرار دارد و با قاطعیت می توان گفت حق داشتن مذاکرات دسته جمعی از آن دسته از حقوق کارگران است که به حاشیه رفته. قراردادهای موقت نه تنها عدم امنیت شغلی را برای کارگران به ارمغان می آورند، بلکه عملا مذاکرات صنفی و جمعی کارگران با کارفرمایان را نا ممکن می کند.

در سال ۲۰۱۴ تعداد شرکتهایی که در لیست سازمان بیمه های اجتماعی ثبت شده بودند ۶۱۵ هزار و ۵۸۱ واحد بوده اند. از این میان تنها دو هزار و ۲۳۵ شرکت مذاکرات با کارگران را از طریق مذاکرات جمعی پیش برده اند، یعنی ۳۶ درصد و با توجه به این که از این تعداد ۳۳۰ واحد دولتی هستند.

در تاریخی که این نامه برای سازمان جهانی کار آماده می شود، دولت خوان مانوئل سانتوس برای یک میلیون و ۲۰۰ هزار کارمند دولت هنوز هیچ گونه برنامه ای ندارد، تا صاحب قراردادهایی مطابق منزلت انسانی شان شوند. در همین رابطه است که معلمان سراسر کشور برای اعتراض به شرایط کاری شان ۲۰ روز است، که در اعتصاب بسر می برند.

در کلمبیا اقامه دعوا علیه کسانی که حقوق کارگران را در محیط کار نقض می کنند وجود ندارد. سیستم بازرسی از کارگاه ها بسیار عقب مانده است و سیستم رسیدگی به شکایات کاری و کارگری توان پاسخ گویی به کلیه شکایات را ندارد. در سال ۲۰۱۱ کلمبیا دارای ۴۱۰ بازرس برای محیط های کار بوده است، در سال ۲۰۱۶ این تعداد به ۸۱۹ می رسد. این ازدیاد تعداد بازرس ها در عمل نتایج مثبت و کافی را برای آن که کارگاه هایی که همگی در زیر پوشش بازرسی و رسیدگی به شکایات قرار گرفته بودند را ببار نیاورده است.

**قتل فعالان
سندیکایی
توسط شبه
نظامیان امری
معمول است**



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

دیگر به مجموعه این انتظارها اضافه کرد.

خلاصه کلام:

کنفدراسیون سندیکای جهانی کلمبیا را از جمله ۱۰ کشور خطرناک برای فعالیتهای سندیکایی می داند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ وقوع قتل های فعالان سندیکایی در کلمبیا را مورد تایید قرار داد و هم چنین از عدم تعقیب قضایی مسئولان این کشتارها ابراز تاسف کرد.

کمیسیون خبرگان اجرای مصوبات و توصیه های سازمان جهانی کار در گزارش سالانه خود در فوریه ۲۰۱۷ اعلام می کند که با نگرانی اعمال خشونت علیه تشکل های کارگری در کلمبیا را دنبال می کند و از دولت این کشور می خواهد عاملان این خشونت ها را شناسایی و مورد پیگرد قضایی قرار دهد.

مطابق استانداردهای خود سیستم رسیدگی به شکایات در دولت نباید بیش از ۲۴۲ روز باشد، در حالی که در واقعیت متوسط زمان رسیدگی به شکایات بر اساس گزارش شورای عالی قضایی ۵۳۴ روز است. اگر لازم شود که پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شود باید ۴۴۶ روز دیگر به آن اضافه شود و اگر حکمی صادر شود که پرداختی بعنوان خسارت را احباب کند باید ۲۰۳ روز

از جهان کار

جهان بدون کار

(بخش هشتم)

دیرک تامپسون

آتلانتیک، اوت ۲۰۱۵

نویسنده در بخش پیشین این نوشته در تشریح "پارادوکس فراغت" بر این نکته انگشت گذاشت که به لحاظ نظری، بیکاران از بیشترین وقت برای فعالیتهای اجتماعی برخوردارند. این در حالی است که تحقیقات نشان می دهند درست همین گروه است که بیشترین انزوای اجتماعی را حس می کند. او نتیجه گرفت: "نشان دادن رفاقت به جای گذراندن به بطالت" بسیار دشوار است.



دیری نموده است: روباتها مشغول ساختن اتوموبیلهای خودران



۳. مصرف: پارادوکس فراغت - ادامه

ضرورت دارد که اشکال کمتر انفعالی و بیشتر خلاق فراغت ابداع و تدبیر شوند. هم اکنون هم چنین اشکالی در حال شکل گیری اند. اینترنت، رسانه های اجتماعی و انواع بازیها از زمره سرگرمیهای اند، که می توانند افراد را، به همان سادگی تلویزیون، ساعتها به خود مشغول دارند، اما همه آنها باهدف تر و موجب انزوای کمتر اند. بازیهای ویدئویی، علیرغم طعن و لعنی که متوجه آنهاست، دریچه هائی به یک نوع جدید [سرگرمی] اند.

جرمی باینسون، پروفیسور روابط انسانی در دانشگاه استانفورد، می گوید که "با بهبود تکنولوژی واقعیت مجازی، هستی سایبری انسانها غنا و همبستگی زندگی واقعی را خواهد یافت." او مدعی است "بازیهای که در آنها بازی کننده باید به جلد انسان دیگری برود تا تجربیات او را به طرزی دست اول از سر بگذراند، به "خیالبافیهای من درآوردی" اجازه نخواهند داد، بلکه به او کمک می کنند که به عنوان کس دیگری زندگی کند و همدلی و همبستگی را بیاموزد.

اما در هر حال دشوار است تصور کنیم که فراغت و وقت گذرانی ولو فعال زمانی خواهد توانست تماماً خلاء ناشی از زوال کار را پر کند. آری، بیشتر مردم نیاز دارند تا از طریق کار به چیزی دست یابند تا احساس پایداری از هدفمندی را تجربه کنند. برای پیش بینی آینده ای که دقیقه به دقیقه موجب رضایت باشد، باید جهانی را تصور کنیم که در آن میلیاردها انسان کارهای مفید اما بدون دستمزد رسمی ای را بیابند و پیشه کنند.

از این قرار من، ملهم از پیش بینیهای یکی از مشهورترین اقتصاددانان روابط کار در امریکا، در سفرم به یونگستاون، فدری به بیراهه زدم و سر از کلمبوس، ایالت اوهایو، درآوردم.

بیشتر مردم می خواهند کار کنند و اگر این خواست ممکن نباشد، احساس تیره روزی خواهند کرد. رنج بیکاری محدود به محرومیت از دستمزد و درآمد نیست؛ احتمال ابتلا به بیماریهای روحی و جسمی در کسانی که شغل شان را از دست می دهند، بیشتر است. رالف کاتالانو، پروفیسور سلامت عمومی در دانشگاه برکلی، می گوید: "فقدان موقعیت اجتماعی موجب احساس کسالت دائمی و روحیه ای شکننده می شود، که در تن یا در روح افراد یا در هر دو بروز می کند." تحقیقات نشان داده اند که خلاصی افراد از درد مدید از دست دادن شغل، دشوارتر از خلاصی از درد از دست دادن یک عزیز یا درد آسیبی است، که حتی زندگی فرد را دگرگون کرده است. بسیاری از اقداماتی که به شفای افراد از آسیبهای عاطفی کمک می کنند - مثلاً یک فعالیت روتین، یک سرگرمی جذاب یا یک برنامه روزانه - برای چاره درد بیکاری به کار نمی آیند.

گذار از نیروی کار به نیروی فراغت احتمالاً برای امریکائیهها، این زنبورعسلهای کارگر دنیای ثروتمند، سخن خواهد بود. ساعات کار سالانه در فاصله ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۲ به میزان قابل توجهی در سراسر اروپا کاهش یافته است - حدود ۴۰ درصد در آلمان و هلند - اما فقط ۱۰ درصد در امریکا. امریکائیههای تحصیلکرده و بابضاعت تر امروزه بیشتر از ۳۰ سال پیش کار می کنند، خاصه اگر وقتی را هم که در خانه صرف خواندن ایمیلهای کاری و پاسخ به آنها می کنند، منظور کنید.

سال ۱۹۸۹ میهالی ژیکزنت میهالائی (Mihaly Csikszent Mihalyi) و جودیت لِفُور (Judith LeFevre)، روانشناسان امریکائی، تحقیق مشهوری را در میان کارگران شیکاگو انجام دادند. این تحقیق نشان می داد که اغلب افراد در هنگام کار دوست داشتند در جای دیگری باشند. اما همین کارگران در پرسشنامه ها اعلام کرده بودند که هنگام کار سرحال تر اند. درست است که بسیاری از افراد گاه یا حتی مدام از کارشان ابراز دلخوری می کنند، اما همین را به داشتن اوقات فراغت زیادی ترجیح می دهند. محققان دیگری اصطلاح "تن آسائی با احساس گناه" را برای توصیف افرادی به کار می گیرند که اوقات فراغت شان تماماً در پای تلویزیون می گذرد، اما نسبت به این نوع گذران وقت غیر مولد حس ناخوشایندی حاکی از بی ارزش بودن دارند.

پساکارگرایان بر این نظر اند که علت سخت کوشی امریکائیهها این است که فرهنگ شان آنان را شرطی کرده است که از گذران به بطالت احساس گناه کنند. آنها می افزایند که این احساس گناه با پایان کار به عنوان یک نرم، رنگ خواهد باخت. ممکن است چنین باشد، اما این یک فرضیه غیرقابل آزمایش است. هانیکات در پاسخ به این سؤال که "کدام جامعه مدرن ممکن است ایده آلهایش را بر طبق الگوهای جامعه پساکار تنظیم کند؟"، می گوید: "مطمئن نیستم که چنین جامعه ای وجود داشته باشد."



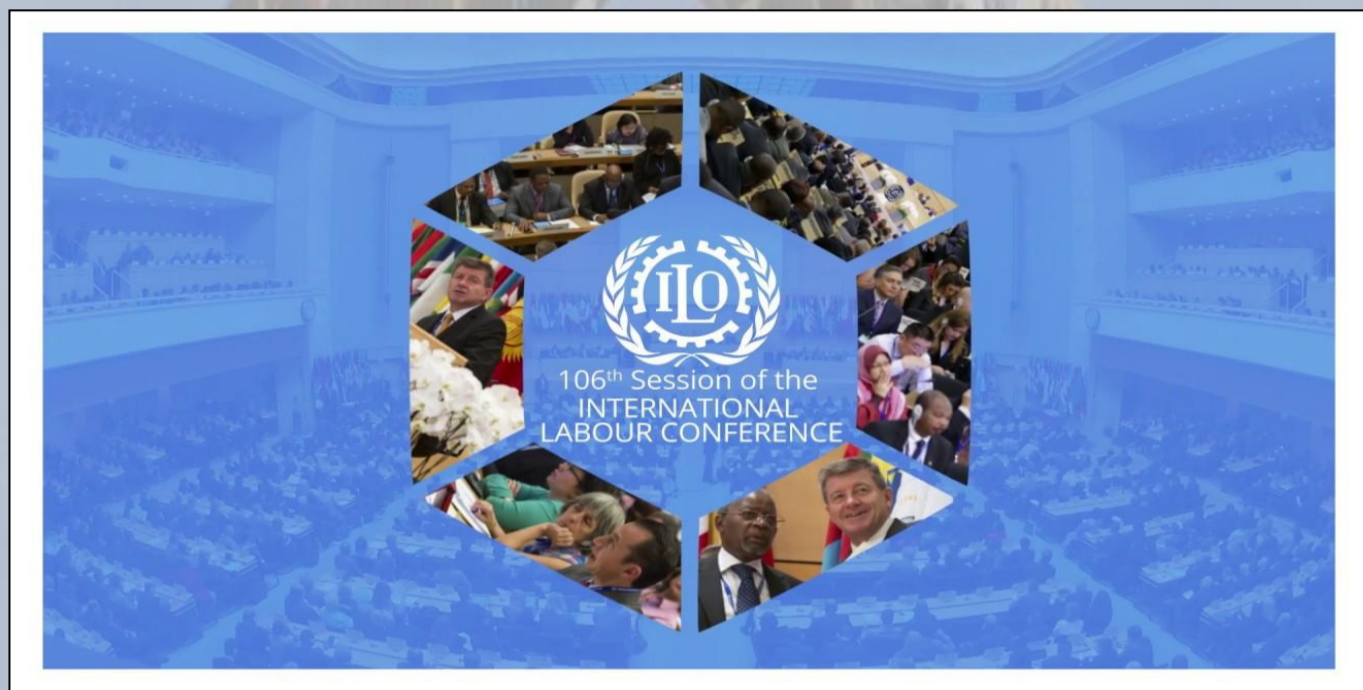


بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

اجلاس جهانی

طرح مسایل کارگران هفت تپه در یک صد و ششمین اجلاس "ای ال او"



کانون مدافعان حقوق کارگر

گزارش جیمز ریتچی، دستیار دبیر کل فدراسیون کارگران بخش مواد غذایی، کشاورزی، هتل، رستوران، خدمات و تنباکو در سرتاسر جهان (آی یو اف) در جلسه عمومی نشست ۱۰۶ مین کنفرانس بین المللی کار-ژنو*
۱۴ ژوئن ۲۰۱۷

نکرده اند. این وضعیت در طی دو سال گذشته پس از واگذاری شرکت به بخش خصوصی رو به وخامت گذاشته شده است. نه تنها موارد مربوط به مشکلات کارگران رفع نمی شود بلکه دستمزدها نیز به موقع پرداخت نمی شود، گاهی اوقات ماه ها کارگران دستمزد معوقه طلبکار هستند و کارگران در اوج ناامیدی در کوچه و خیابانها و در مقابل دفتر فرمانداری اعتراض می کنند. ما از دولت ایران می خواهیم که فوراً کنوانسیون ۹۵ (در حفاظت از دستمزد) سازمان بین المللی کار را اجرا کند.

تعهد سازمان جهانی کار که هویت اش را نشان ما دهد یا در عرصه دیگری نمایان کند وجود ندارد". مدیر کل، تمامی کشورهای عضو را برای پویایی دوباره تعهدات سیاسی و اقدام عملی برای پایان دادن به سوء استفاده هایی که هیچ جایی در جهان کاری ندارد فراخوانده است. من می خواهم به نقض سیستماتیک، پایمال شده کارگرانی که مکرراً توسط کارفرما تکرار می شود، یعنی نقض حقوق اولیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در ایران صحبت کنم. در ده سال گذشته، کارگران هفت تپه دستمزد خود را مرتب دریافت

رئیس کنفرانس، مدیر کل و نمایندگان حاضر در جلسه ۱۰۶ مین کنفرانس بین المللی کار. من در اینجا می ایستم تا گزارش خود را به مدیر کل کنفرانس بدهم. آقای رایدر (دبیرکل سازمان جهانی کار) در نطق افتتاح اش اعلام کرد، که اشاره اش به شغل شایسته برای صورت جلسه کنفرانس بود (Agenda Decent Work) که در اعلامیه سال ۲۰۰۸ در رابطه با عدالت اجتماعی در جهانی عادلانه می خواهیم است، که شعار این سالها برای اصول بنیادین حقوق کار است. ما نیز با نظرات او موافق هستیم که "هیچ اصل دیگری، که به طور مستقیم نشانه بگیرد قلب



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

بشناسد و به آنها اجازه اقدام به تمام فعالیت های مطابق با کنوانسیون های سازمان بین المللی کار در محل کار خود نمایند. اعضای سندیکا هیچ امنیت شغلی و مطلقا هیچ حقوق بشری در ایران ندارند. را مسئول جلسه، من در این کنفرانس نیز مایلم کمی از زمان خودم را به منظور بیان مختصری از نقض وحشیانه حقوق بشر کارگری توسط دولت الجزایر مطرح کنم، زیرا که هنگامی که کارگران الجزایر به دنبال حق خود برای پیوستن و تشکیل اتحادیه های مستقل است را بیان کنم. از سال ۲۰۰۱، سندیکای عمومی کارگران الجزایر یا (اس ان ا پی ا پی) (۱) شکایتی را به سازمان جهانی کار تسلیم کرده است. در سال ۲۰۱۲، پنج اتحادیه مستقل کارگری با (اس ان ا پی ا پی) فعالیت می کنند که هنوز این ارتباط ادامه دارد. دولت وضعیت حقوقی اتحادیه انرژی SNATEG را لغو کرده است، با وجود این واقعیت مقامات الجزایری جرأت کردند دیروز مخالفتشان را در سازمان جهانی کار اعلام کنند، زیرا فعالیت های مسالمت آمیز با اخراج، زندان و تهدید به اقدام قانونی تعقیب روبرو می شود. اتحادیه های الجزایر گزارش می دهند که سرکوب فعالان اتحادیه های کارگری به دنبال هر کنفرانس سازمان جهانی کار همراه است که با افزایش فشار بر اتحادیه های کارگری مستقل تشدید می شود. سازمان جهانی کار باید به طور موثر پیگیر مذاکرات و تصمیمات خود برای اطمینان از احترام دولت الجزایر به تعهدات خود

محل کار نصب شده است و ماموران امنیتی از این دوربین ها برای کنترل هر حرکت کارگران استفاده می کنند. اخراج روزانه کارگران عادی است و اعتراض بخشی از کارگران با دستگیری و بازداشت غیر قانونی مواجه است. ما اصرار داریم و از شما می خواهیم که از دولت ایران بخواهید که از این عمل کارفرما جلوگیری کند و دولت دست از آزار و اذیت کارگران بردارد.

فرآیندهای بهداشت و ایمنی در محل کار اجرا نشده، دمای هوا در زمان کار پر زحمت کارگران بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد است. کارگران قرارداد دائم که یک سیستم طبقه بندی شغلی ندارند. آنها مانند کارگران موقت کار می کنند و حداقل دستمزد آنها یک چهارم آنچه که دستمزد واقعی باید باشد پرداخت می شود. ما از نمایندگان ایران می خواهیم تا کارگران با امنیت شغلی و قرارداد دائمی داشته باشند. ایران کنوانسیون ۱۳۱ حداقل دستمزد ثابت را برای ارائه عدالت دستمزد به کارگران تصویب کرده است. اعضای هیئت اجرایی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه قراردادهای موقت کاری دارند. این یک استراتژی حساب شده برای سرکوب آزادی تشکل و آزادی بیان است. اعضای کمیته اجرایی سندیکا را مجبور می کنند که به ارسال و ثبت و امضای تعهد نامه خود که هیچ اقدام علیه کارفرما و شرکت نمی کنند. ما از دولت ایران می خواهیم سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را به عنوان نماینده انحصاری کارگران هفت تپه به رسمیت

بیش از ۱۰۰۰ کارگر که در حال حاضر شاغل هستند و بازنشسته های کارخانه های نیشکر هفت تپه این ماه با پشتیبانی همسران و فرزندان شان، برای گرفتن دستمزد ها و مزایای پرداخت نشده اشان چند ماه دست به اعتصاب زده اند. شرکت هفت تپه در پاسخ به اعتراض کارگران آنها را تهدید به اخراج می کند که یا کارگران باید به سر کار خود برگردند و یا این که مدیریت هفت تپه را تعطیل می کند و شرکت را می بندند.

کارگران هفت تپه برای گرفتن دستمزدهای عقب افتاده اشان و سایر مسائل مربوط به مزایای اشان با تظاهرات و اعتصاب متعدد طی سال های گذشته درگیر هستند. این کارگران پیش از این در مقابل دفتر فرماندار در شهرستان شوش جمع شده بودند و تهدید کرده اند که دوباره تجمع خواهند کرد، مدیریت می باید دستمزد آن ها را پرداخت کند، آنچه را که به کارگران بدهکار است را بپردازد. در اکتبر سال ۲۰۱۶، بیش از ۵۰۰ کارگر این شرکت اعتصاب کردند و خواستار پرداخت حقوق شان، که سه ماه به تعویق افتاده بود، شدند. گزارش شده که ۱۸۰۰ تن از کارگران حداقل دو ماه حقوق عقب افتاده دارند. ۸۰۰ تن دیگر از کارگران این شرکت حداقل چهار ماه حقوق پرداخت نشده طلب دارند. با توجه به شرایط این کارگران، کارخانه از یک مجتمع صنعتی به یک فضای امنیتی تبدیل شده است و دلیل حضور ثابت و تهدید آمیز پلیس، که تیم مدیریت را در همه زمان ها اسکورت می کند، فضای این شرایط را نشان می دهد. دوربین های دیجیتال در همه جا در



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

اکثر کنفدراسیون های کارگران مانند کنفدراسیون بخش عمومی جهانی، آموزش بین الملل، آی یو اف و آی تی یو سی است. این تشکل حتی جوانان و کارگران بیکار، کارگران موقت، حاشیه نشینان را نیز عضوگیری می کند. بسیاری از فعالین این تشکل در زندان هستند.

the Syndicat National
Autonome des Personnels de
l'Administration Publique
(SNAPAP)

سندیکای عمومی کارگران الجزایر (اس ان ا پی ا پی) فعالترین تشکل مستقل ملی کشور الجزیره است که سال ۱۹۹۰ تشکیل شده است. این تشکل فرا اقتصادی است و کلیه کارگران در بخش های متفاوت اقتصادی عضو آن هستند و عضو

به کارگران برای اجازه استفاده از حقوق بنیادین کار باشد. تحویل کنترل کننده جلسه هم داده شده است.

*

<https://www.hrw.org/news/2013/10/06/algeria-crackdown-independent-trade-unions>
Address to the plenary of the 106th session of the International Labour Congress

خاطرات زندان

تاوان معلمی، من فریاد سر خواهم داد

(بخش ۱۱ و ۱۲)

اشاره:

تاوان معلمی، خاطراتی است که رسول بداقی، فعال صنفی معلمان، از روزهای سپری شده در زندان به قلم آورده است. بولتن کارگری، به نقل از سایت حقوق معلم و کارگر، در شماره ۱۸۰ این نشریه بخش اول و دوم این متن را منتشر کرد.

بی شک دوران زندان برای هر مبارزی دارای آموزه های ارزشمندی است که تا پایان عمر از یاد نخواهد رفت، دنیایی از تجربه، آموزش و یاد گیری، کوره ای که مبارزان راه آزادی و عدالت در آن، آبدیده تر و با تجربه تر می شوند، هر چند که با شکنجه های مختلف و فشار های روحی و جسمی بسیار همراه است.

به قول احسان طبری:

" در این میدان اگر پیروز گردی گویمت، گردی
وگر بشکستی آن جا، زودتر از مرگ خود، مُردی"

رسول بداقی، معلمی که حتی در انفرادی یک لحظه از یاد مردم و خانواده اش غافل نیست، چنان زیبا احساسات انسانی را از میان اوج شقاوت سیستم جهنمی زندان های جمهوری اسلامی ایران تصویر می کند که هر مخاطبی را تحت تاثیر قرار می دهد.
با احترام به همه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی، قسمت ۱۱ و ۱۲ این خاطره به شرح زیر تقدیم شما می شود.



بخش یازدهم

شان تبدیل به روح کوچک آدمکی شده است، به کوچکی دنیای زندان. عمق دید یک انسان در زندان ۴۰ متر بیشتر یا کمتر است، آدم هایی که با آن ها سر و کار داری اندک هستند، همه کم و بیش دلتنگ، عصبانی، ناکام، پر از عقده، سرشار از نیازهای برآورده نشده و

در زندان چه سخت است ماندن برآرمان های انسانی، در زندان چه دشوار است، از عمق وجود

لیخند زدن! انسان معمولاً اندیشه و روحش پا به پای طبیعت پرورده می شود، ژان ژاک این معمار طبیعت گرایی (ناتورالیست) این مفهوم را به قیمت نابودی امنیت و زندگی خویش دریافته است، او که می گوید: " خانواده ها اگر فرزندانشان را به نرمی تربیت نکنند، طبیعت به سختی و با هزینه ی گزاف آن ها را تربیت خواهد کرد."

انسان ساخته ی دست طبیعت اطراف خویش است، و زندانی تربیت شده ی دست زندان. در زندان آنچه آدمی را می سازد، و او را از هر بلایی، از هر آفتی ننگه می دارد، بلندی آرمان های اوست. در زندان گاه قوی ترین افراد بدون آرمان های بلند، له و نابود می شوند، و در دامن بلایایی که پیرامون آن ها کم نیست می افتند، حتی دزدها هم آرمان خویش را دارند، گاه این آرمان می تواند، چیز به ظاهر کوچکی مانند ننگه داشتن خانواده از دست مرگ ناشی از فقر باشد، افراد در زندان فرصت بسیاری دارند تا به خود بیندیشند، به آرمان ها به آرزوها، به گذشته، به آینده و... افراد در زندان به ویژه در زندان انفرادی به اعماق پنهان ترین لایه های روحی-روانی و خویشتن خویش وارد می شوند، به گناهان خویش به خوبی ها و بدی ها به هر آنچه در زندگی کرده است می اندیشد، خود را نفرین می کند، یا خود را می ستاید.

در زندان انسان پرورده ی زندگی اش بسته و پرورده ی وجدان خویش را می گشاید، شخصی که به خاطر نجات همسر و فرزندان از دست مرگ و بی آبرویی ناچار به دزدی شده است، آرمانی دارد، به نام "نجات خانواده!" کودکان خود را پیش چشم خویش شاهد می گیرد، که ای پدر می دانیم تو ناچار بودی برای زنده ماندن ما دست به دزدی بزنی، پدر تو بی گناهی، همه ی دنیا ترا گناهکار بداند، من می دانم: " پدر تو بی گناهی!" بی گناهان را همین بس که چشمی بینا یا وجدانی بیدار ایمان داشته باشد، که بی گناه است. دوستانی از من پرسیده اند، چه چیزی باعث شد که هفت سال زندان را تحمل کنی، در حالی که بی گناه بودی؟ گفتم انگیزه های بسیاری بود، برای پایداری من.

شش سال بود، بهار را برشاخسار درختان ندیده بودم، شش سال بود من دستم در دست ماموران زندان بود، شش سال، چشمانی خصمانه شب و روز مرا همراهی می کرد. شش سال بود، که در چهار دیواری ها ی خشک و بی روح به هستی خویش زل زده بودم، همواره نام و هویت خودم را در درون هستی خویش جست و جو کرده بودم، بسیاری چیزهای دنیا داشت از ذهنم کمرنگ می شد، داشت به خاطر ای گنگ، یا آرزویی دست نیافتنی تبدیل می شد، کم کم حس تعلق به دنیای بیرون و آزادی از درون من پاک می شد، باورم شده بود که من باید برای همیشه یک زندانی باشم... من دیگر نقش محیط پیرامون در تغییر انسان را درک کرده بودم، من فهمیده بودم، که چگونه می شود انسان را با هویت خویش و از خویش بیگانه کرد. من قصه ی "آدم، آدم است"، در نمایشنامه ی برتولت برشت را عملاً درک کرده بودم، من درک کرده بودم، که چگونه مربی می تواند، از انسان چیزی که خود می خواهد بسازد، هنوز هم نگران این هستم که سیستم تربیتی سوداگر از انسان باهوش و مختار یک رباط باهوش بسازد، که فقط منافع مربی اش را پاسداری کند. بدون احساس، بدون ترحم، بدون بشر دوستی، بدون تعلق به اجتماع و خانواده. این است دلوآپسی من! زندانیانی بودند که بیست یا بیست و پنج سال و بیشتر از این ها زندان کشیده بودند، وقتی به این آدم ها برمی خوردی از بیان چگونگی خودشان و درونشان مانند کر و لال ها ناتوان بودند، نمی توانستند اثر زندان را بروح و جسم خود تشریح کنند، نمی دانستند چه بوده اند، و چه شده اند، نمی دانستند، که روح بزرگ انسانیت





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰



دفتر شعبه ی اعزام و زندانی ها در قرنطینه هستند، مسئولان اعزام برای هر زندانی دو سرباز و یک نفر کادری (که به او پاسیار می گویند) تعیین کرده و یک دستبند، یک پابند، کارتکس و خود زندانی را با لباس یکرنگ مخصوص اعزام، تحویل پاسیار و سربازان داده از آن ها امضا و اثر انگشت می گیرند، اثر انگشت زندانی را به وسیله ی کامپیوتر با اثر انگشتی که هنگام پذیرش او به زندان از او گرفته شده تطبیق داده، و با سربازان راهی در اصلی زندان می کنند. دم در اصلی هم یک راننده آن ها را سوار کرده، پس از بازدید نهایی مطابقت عکس، با زندانی و بازرسی دست بند و پابند، اجازه ی خروج از دژبانی را می دهند. در برقی گشوده شده و ماشین از محوطه ی زندان بیرون می رود. روز دهم اردیبهشت همه ی این کارها انجام شد، اما همان طور که رسم بود، ما زندانیان به اصطلاح سیاسی از زدن پا بند و پوشیدن لباس خود داری می کردیم، این خواست را زندانیان سیاسی برمسئولان زندان رجایی شهر تحمیل کرده بودیم. راننده و پاسیار در ردیف جلو، من وسط دو سرباز با دستبند، در ردیف عقب نشسته بودیم، فرصت مناسبی یافته بودم تا با دو چشم تشنه از طبیعت کام بگیرم. پرنده ها را می دیدم، که از این شاخه به آن شاخه پر می زدند، آدم هایی که پشت فرمان رانندگی می کردند، پیاده روها پر از رهگذر بود، برخی آدم ها از زیر پل آهنی، عرض خیابان را با احتمال خطر جانی طی می کردند، برخی هم از روی پل با امنیت خاطر به سوی هدف خویش گام برمی داشتند. اما من هرگز آرزو نمی کردم جای هیچ پرنده، یا هیچ یک از آدم های دیگری باشم، که می دیدم، من فقط می خواستم، رسول بدایق باشم و بس! در زندان یا بیرون زندان فقط خودم باشم با آرمان هایم، سر و صورت و اندام خودم را با همه ی ویژگی هایم دوست داشتم، به همه ی آرمان هایم عشق می ورزیدم و با آن ها پرواز می کردم، زیرا من معلم بودم. نه یک معلمی که آرمانش بیشتر خوردن و بهتر پوشیدن باشد. **من معلمی بودم که بهتر از پرندگان و آگاهانه از شاخه های پر خطر آرمان هایم پرواز می کردم. چه شیرین بود این سفر پرخطر برای من!**

گفتند سه یا چهار تا انگیزه را بگو گفتم:
-آرمان های بلند برابری خواهی و آزادی خواهی،
-آیندگانی که در رقم زدن سرنوشت خویش دستشان کوتاه است.
-اصرار حاکمانی که حاضرند، جان خویش را فدای منافع ناحق خویش کنند، پس چگونه من بر سر حق مسلم خود و هممنوعان ستم دیده ام اصرار نکنم؟!
-مهم تر از همه این که وجدانم در اجتماع بشری شرم سار روح جوانمردی نباشد.
برگردیم به زندان! بامداد دهمین روز از اردیبهشت ۱۳۹۶ بود، در زندان برای جلو گیری از فرار زندانی قوانین بسیار سختی حاکم است، خلاصه ای از پرونده ی زندانی، مشخصات فردی، جرم، میزان زندان، و... همراه عکس او در یک کارت در اندازه ی نصف یک کاغذ "A چهار" که به این خلاصه پرونده "کارتکس" می گویند، و زندانیان عادی به آن کارت عکس می گویند. این کارتکس همیشه باید در کنار زندانی باشد، در داخل زندان این کارتکس، پیش نزدیک ترین مسئولان زندان، در دفتر افسر نگهبان (زیر هشت) است، هر بند یک افسر نگهبانی دارد، هنگام اعزام این کار تکس را به کسانی می دهند که مامور تحویل او هستند. افسر نگهبانی همه ی کسانی را که در آن روز اعزام دارند، صدا می زند، آن ها را با نامه ی اعزام (نامه ی مرجع احضار کننده) و کارتکس به دفتری به نام شعبه ی اعزام که آن ها نیز کادر اداری مخصوص خود را دارند، تحویل می دهد، نامه ی تحویل را گرفته، به بند محل خدمت خود باز می گردد؛ از آن پس زندانی دیگر تحویل شعبه ی اعزام است، مسئولیت گم شدن یا فرار زندانی بر دوش شعبه ی اعزام است.
ما وارد قرنطینه ی مخصوص اعزام شدیم، در قرنطینه ای که مخصوص اعزام است، زندانی از ساعت حدود ۶ بامداد تا ۹ سربا منتظر تقسیم بندی، پابند، دستبند، پوشیدن لباس یکرنگ، تعیین ماموران و ماشین می ایستند. این مراحل برای هر زندانی که پیش را برای حتی یک دقیقه بیرون از زندان بگذارد، اعمال می شود. مامورین اعزام در زندان معمولاً ساعت هشت تا هشت و نیم وارد زندان می شوند، و انجام کارهای مربوط به اعزام را گاه با توپ و تشر آغاز می کنند، کارتکس ها در



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

**در طول مسیر به آن چه
نمی اندیشیدم، این بود که مرا بار
دیگر به زندان محکوم می کنند یا نه؟
من در پی سرنوشتی بودم که
آگاهانه برای خویش رقم می زدم.
یکی دیگر از دلواپسی ها من این بود،
که آیا آرمان هایی که من برای خودم
تعیین کرده ام، با خواست و آرمان
معلمان آگاه هم خوانی دارد یا خیر؟**

کرد، که شاید هرگز با همه ی وجود آن را حس نکنید. از این پس من دنیا را بار دیگر از پشت چشم بندی سیاه، و در یک چهار دیواری کوچک سنگی، و سر و کله زدن با بازجوهای بی رحم، اما دلی پر از امید و اندیشه ای پاک و سفید به تماشا خواهم نشاند، آیا هستی را این چنین می شود، به تماشا نشست؟!

بخش دوازدهم:

ما وارد ساختمان دادسرا شدیم، این ساختمان و همه ی کارکنان آن ارگانی هستند، زیر نظر سپاه پاسداران، به نوعی حفاظت اطلاعات سپاه ارگانی موازی وزارت اطلاعات است که بیشتر به کارهای سیاسی امنیتی می پردازد، گرچه پرونده ها پس از آماده شدن برای صدور رای به دادگاه انقلاب فرستاده می شوند.

دست بندی که در دست من و یکی از سربازان بود، باز شد. روی صندلی های درون راهرو نشستیم، انتظار طولانی شد، من احتمال دادم، ماندگارخواهم شد، درون راهرو دوربین کار گذاشته شده بود، اما من با یک ریسک رو به رو بودم، می خواستم خانواده ام بدانند، من در اوین ماندگار خواهم شد، اما نمی دانستم چگونه این خبر را به خانواده برسانم، با یکی از سربازان گفت و گو کردم او پذیرفت که شماره ی تلفن خانه ی ما را بگیرد و به خانواده خبر دهد، کلی تلاش کردیم که سرباز شماره ی ما را به ذهنش بسپارد اما نشد، مجبور شدیم روی یک تکه کاغذ نوشتیم و لای دستبند آهنی گذاشتیم، احتمال می دادم که شماره دست نیروهای گمنام امام زمان بیفتد.

حتی آنان که مرا بازجویی می کردند، در سلول های کوچک بازجویی به این حس من حسادت می ورزیدند. من مست بودم، مست می آرمان های انسانی ام. سخنان سحرآمیز من مانند زنجیری بود بر دست و پای بازجوها و آنان که به ناحق مقام قضاوت را اشغال کرده بودند.

آنان دست مرا به زنجیر کشیده بودند، اما من اندیشه ی خود محوری آنان را به بند حقیقت انسان محوری کشیده بودم، و سیمای منطق آنان را که در بیابان های سرگردانی بجز علف هرز یاوه گویی، و خود پرستی در آن نرسیده بود، با آینه ی منطق حقیقت برخویشتن شان نمایان کرده بودم، شاید به همین خاطر به سختی با من برخورد کردند. در طول مسیر به آن چه نمی اندیشیدم، این بود که مرا بار دیگر به زندان محکوم می کنند یا نه؟ من در پی سرنوشتی بودم که آگاهانه برای خویش رقم می زدم. یکی دیگر از دلواپسی ها من این بود، که آیا آرمان هایی که من برای خودم تعیین کرده ام، با خواست و آرمان معلمان آگاه هم خوانی دارد یا خیر؟ سربازها برای من بیشتر از خودم نگران بودند، آنان برای معلم بودن به من احترام می گذاشتند. گاه می شنویم که اروپا به معلمان احترام می گذارند، و ایرانی ها احترام نمی گذارند، در واقع نوع شغل معلمی برای همه ی انسان ها احترام آمیز است. زیرا تربیت احترام آمیز است.

پس از گذشتن از پیچ و خم های بسیار راننده ما را در جلوی اوین پیاده کرد. پاسپار کلت کمری و موبایلش را تحویل داد و همه ی ما پس از تفتیش بدنی وارد دادسرای شهید مقدس اوین شدیم. از این پس من با واژه ها شما را وارد سرزمینی خواهم



29-Dec-19 13:0



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

اتهام من چیست جناب ناصری؟

- دو اتهام بر شما وارد است، یکی تحریک معلمان برای تجمعات اسفند ۹۳ و اردیبهشت ۹۴ دومی توهین به رهبر و مسئولان ارشد نظام.

جناب ناصری روز چهارشنبه شما فرمودید مدارک لازم برای تفهیم اتهام در دست نیست؟!

- بله، امروز مدارکی از طرف شکات ارائه شده که حاکی از تایید موارد اتهام است. و باید چند روزی را در بازجویی سپری کنید.

و لابد ایشان (اشاره به سین) شاکی بنده است.

- بله، ایشان به نمایندگی از سپاه تارالله شاکی شما هستند.

من با خود می اندیشیدم " تارالله یعنی خون خدا، از طرفی یکی از لقب های امام سوم شیعیان است. یعنی من چه کار کردم که خودم بی خبرم؟

- آقای ناصری ادامه داد: آقای بداقی شما لرستانی هستید؟

بله زادگاه من کوهدشت لرستان است (ناصری و شاکی من به همدیگر نگاهی انداختند و خندیدند).

ناصری گفت: خوب پس کوهدشتی هستید؟!



دفترهای دادگاه و دادسرا معمولاً دو در دارند، یکی داخل راهرو و دیگری داخل اتاقی دیگر که معمولاً میز مدیر دفتر (منشی) شعبه است و پرونده های متهمان در قفسه هایی آنجا نگهداری می شوند، بالاخره نوبت ما شد. وارد دفتر شعبه ی ۶ دادسرا شدم، شاکی های پرونده های سیاسی امنیتی، نمی خواهند شناخته شوند، به عنوان متهم یا به عنوان دوست قاضی یا کارمند و یا به اشکال گوناگون می خواهند، کنار قاضی یا بازپرس بنشینند، تا در جریان روند تفهیم اتهام یا بازپرسی یا دادگاه قرار بگیرند، تا وارد اتاق بازپرسی با نگاهی متوجه حضور شاکی پرونده شدم، شگفت زده شدم، شخصی کپی یکی از همکاران فرهنگی که نامش "س" بود، آنجا کنار دست ناصری رئیس شعبه ی ۶ نشسته بود، داشتم فکر می کردم، در تلاش بودم که هرچه زودتر افکارم را جمع و جور کنم، اما نمی شد، سر رشته ی هر فکری را می گرفتم، از پندارم می گریخت، شگفت زده شده بودم، این معلم هم شهری را من نزدیک به ۱۴ سال بود ندیده بودم، اما این جا چه می کند؟ آیا کسی است همانند او؟ آیا او مرا می شناسد؟ پس چرا چیزی نمی گوید؟ شاید او هم همین فکر را بکند و از من انتظار داشته باشد، که چیزی بگویم؟! او معلم است اما اینجا چه می کند؟! آقای "سین" از جناح سیاسی اصول گرایان بود، می شود شغلش را عوض کرده باشد؟ اما آیا او شاکی من است؟! باز با خودم اندیشیدم، توی این جمعیت ۱۲ میلیونی تهران لابد یکی پیدا می شود شبیه او باشد!

کسی می تواند، در برخی ویژگی ها شبیه دیگری باشد، اما نه در همه ی ویژگی ها! سر، صورت، بافت مو، خال روی گونه، قد، شکل بینی، دست و پنجه، تن صدا و... اما می شود کسی در ۴۸ سالگی مانند دوران ۲۵ سالگی سرحال و جوان مانده باشد؟ کاملاً در آچمز بودم، باخودم گفتم، اگر بپرسم شاید فکر کنند، دنبال پارتی و آشنا بازی هستم و این را دلیل ضعف من تلقی کنند، اصلاً آقای "سین" باشد، یا نباشد، به من چه؟ من نیازی به "سین" ندارم، گیرم او باشد، بی خیال...

وی با آقای ناصری خوش و بشی کردم اما، این ناصری همانی نبود که روز چهارشنبه دیده بودم، حس دیگری داشت، از هر دری برای گفت و گو که وارد می شدم، انگار راه های گفت و گو بسته بود، انگار ما ناچار به پذیرفتن سرنوشتی بودیم، بدون مقدمه آقای ناصری رفت سراغ اصل موضوع.

- آقای بداقی شما متهم هستید، امروز متاسفانه شما به رای تفهیم اتهام فرخوانده شدید.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

- صدایت را پایین بیاور اینجا دادگاه است، مثل من خونسرد باش!

بله، شما باید خونسرد و آرام باشید، به ما ستم شده، شما با حقوق های ده میلیونی که می گیرید، باید خونسرد باشید، شما مشکلی ندارید. چرا باید صدایتان را بالا بیاورید، دنیا به کامتان است، این ستمدیدگان هستند، که باید فریاد بزنند، و شما باید خواهان آرامش و ثبات اوضاع کنونی باشید. اگر کشتی جامعه متلاطم شود، منافع شما در خطر خواهد بود، طبیعی است که شما خواهان آرامش باشید. تورم، بیکاری، فقر و و ... که شما را عصبانی نمی کند.

آقای سین از جایش برخاست، به ناصری اشاره کرد و گفت: نامه شو بنویس!

این را گفت و از اتاق بیرون رفت. من تفهیم اتهام شده بودم، طبق قانون دادرسی کیفری، هر پرونده پنج قاضی باید داشته باشد، قاضی کشف (کسی که مجرمی را پیدا کرده و با ارائه ی مدارک جرم از دادستان یا مدعی العموم مجوز توقیف مجرم را گرفته و به تیم عملیات ارائه می دهد) قاضی بازپرسی، قاضی بازجو، دادگاه بدوی، قاضی تجدید نظر، این پنج گروه باید تحصیلات حقوقی داشته باشند، یعنی در واقع در حکم قاضی هستند. و باید مدرک قاضی گری داشته باشند، در روند بازجویی قاضی بازجو در واقع حق ندارد، پرسشی بیرون از موارد اتهامی از متهم داشته باشد، اگر در روند بازجویی، بازجو پرسشی کرد که خارج از موضوع اتهامی بود، که توسط بازپرس به او تفهیم شده است، متهم می تواند پاسخ ندهد، آقای سین که خود را کشاورز نامیده بود، پس از دقایقی با یک چشم بند سیاه کشی وارد اتاق بازپرسی شد، من تفهیم اتهام شده بودم، می دانستم باید فقط به پرسش هایی در حوزه ی همان اتهامات پاسخ بدهم.

آقای سین بسیار چالاک و فرزند دست مرا گرفت و به سمت در شرقی که دادرسی شهید مقدس داشت و به درون زندان اوین بازمی شد، برد، از درکه بیرون رفتیم و از ارباب رجوع هایی که درون راهرو بودند، پنهان شدیم، چشم بند را روی چشم من زد. دنیا پیش چشم من تاریک شد، اما دلم روشن بود. این چشم بند با چشم بندهایی که تاکنون دیده

(سپس با هر دو دستش به ما اشاره کرد و سپس دست هایش را بهم نزدیک کرد). خوب حالا دیگر خودتان هستید با خودتان من چه بگویم؟ (این را گفت و رفت سراغ متهم دیگر و من ماندم و شاکی، چندبار خواستم از جایم برخیزم کنار شاکی بنشینم، اما غرورم اجازه نداد، می دانستم هم ناصری و هم شاکی دوست دارند من از جایم برخیزم و پا پیش بگذارم، اما دلم راضی نشد. باشاکی سر صحبت را باز کردم)

از همان جا با شاکی سر صحبت را باز کردم، شما از سربازان گمنام اما زمان هستید؟

سری به نشانه ی بی تفاوتی تکان داد و گوشه ی لبهایش را ورچید و گفت: چرا گمنام؟

من پرسیدم خوب شما اگر راست می گوید، بفرمایید نامتان
سینه اش را سپر کرد و دستش را به سینه کوبید و گفت: من ترسی ندارم، کشاورز هستم.

من می دانستم دروغ می گوید، کشاورز نیست، بلکه آقای "س" فرزند یکی از همکاران است. اما به رویش نیاوردم، صحبت از ۶ سال زندان من شد، به نظر این سرباز گمنام و شاید همه ی سربازان گمنام من خودم مقصر ۶ سال زندان بودم، دلیل آن ها در مقصر بودن من این بود، که من نباید کاری به کار مشکلات دیگران داشته باشم، سرم را پایین بیندازم و به فکر زندگی ام باشم. این هم منطق سربازان گمنام امام زمان!

- ببینید آقای س (من نام اصلی اش را بر زبان آوردم، پس از آزاد شدن یک درصد شکی که داشتم، برطرف شد، آقای کشاورز پسر ارشد، آقای س از همشهری های من بوده که سال ها در یک مدرسه با هم تدریس کرده ایم، و سال ها در یک کلاس درس خوانده ایم): گناه من فقط تلاش برای بهبود آموزش و پرورش بوده است.

(تن صدایم را بالا آوردم)

- یکی از همکاران شما بیاید، فیش های ما را نگاه کند، اگر بیشتر از شما حقوق گرفتیم، مال شما.

شما که یک فیش ندارید؟ بچه گول میزنی؟ فقط مزایای شما دو برابر همه ی حقوق ماست!



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

وارد یک اتاق شدیم، چشم بندهای قبلی که من دیده بودم، می شد از زیر جلوی پا را ببینی، اما این چشم بند، پ لک های مرا هم فشرده کرده بود، چشمهایم چیزی نمی دید، اما ذهنم بینا بود، بسیاری چیزها را درک می کردم.

بودم متفاوت بود، تا آن لحظه چشم بند، کشی ندیده بودم، آقای سین تلاش می کرد، وحشت در دل من ایجاد کند، اما من ته دلم می خندیدم. و حرف های او را به بازی می گرفتم، او بیشتر عصبانی می شد، فقط تهدید می کرد. چند کوچه ی پیچ در پیچ ما را چرخاند، پله های متفاوتی داشت، چند بار بالا و پایین رفتیم. بالاخره

گزارش

طرح کارورزی محکی برای بحران بیکاری و فقر



فریبرز رئیس دانا در گفت و گو با ایلنا می گوید: اگر بخواهیم از نام نویسی ۲۷۰ هزار دانشجوی فارغ التحصیل در طرح کارورزی به عنوان دلیلی برای مطلوب قلمداد کردن برنامه های اشتغال زایی دولت یاد کنیم، باید بپذیریم که پزشکان و مهندسان جامعه امروز آمپول زدن و حساب و کتاب را بلد نیستند.

اعتراض کارگران به تصمیم دولت برای اجرای طرح کارورزی در حالی ادامه دارد که بنابر اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده است تا این لحظه دست کم ۲۷۰ هزار دانشجو برای کارورز شدن صف کشیداند.

بنابر اظهاراتی که در همین رابطه به نقل از علاء الدین عزوجی، مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رسانه ها منتشر شده است، دولت انتظار این حجم انبوه از متقاضیان را نداشته است؛ به صورت مشخص این مقام مسئول وزارت کار در این باره گفته است: پیش بینی ها براین بود که نهایتا شمار متقاضیان کارورزی به ۱۵۰ هزار تن برسد، که این عدد مورد انتظار از آمار ثبت شده ۱۷۰ هزار تن کمتر است.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

هرچه باشد عدد ۱۵۰ هزار رقم کمی نیست تا چه رسد به رقم ۲۷۰ هزار، خاصه آنکه این اعداد مربوط به آدم‌هایی باشند که تازه دوره دانشگاه را پشت سر گذاشته اما به دلیل بیکاری حاضرند تا تحت عنوان کارورز و در ازای دریافت حقوقی به مراتب کمتر شانس خود را برای یافتن شغل امتحان کنند.

در این باره فریبرز رئیس‌دانا، کارشناس اقتصادی به ایلنا می‌گوید: ثبت نام بیش از اندازه دانشجویان بیکار را نمی‌توان دلیلی بر ممتاز بودن طرح کارآموزی تلقی کرد، علت ثبت نام بیش از گنجایش این طیف از جویندگان کار تنها به نرخ بالای بیکاری و فقر باز می‌گردد، به طوری اکنون که می‌بینم ۲۷۰ هزار نفر حاضر شده‌اند تا برای دریافت ماهی ۳۱۰ هزار تومان صف بکشند.

وی ادامه می‌دهد: باید به این نکته اشاره کنیم که این موقعیت هرگز به معنای مطلوب تلقی کردن برنامه‌های اشتغالزایی از جنس طرح کارورزی نیست، بلکه برعکس و آتاب شرایط مضحکه‌ای است که امروز در دانشگاه‌های کشور حکم فرماست، زیرا اگر دانشگاه‌ها در تعلیم و فن آموزی به دانشجویان عملکرد خوبی داشتند، دیگر نیازی به چنین طرحی نبود. کجای دنیا چنین طرحی انجام شده است که ما اکنون در ایران باید با آن روبه‌رو شویم.

او با اشاره به عدم توانایی کارفرماها برای آموزش دانشجویان می‌گوید: بی شک کارگاه‌ها و مراکزی که می‌خواهند به فارغ التحصیلان آموزش دهند تجهیزات و دانش لازم را ندارند و همچنین اگر این توانایی‌ها را داشتند خودشان را از این وضعیت اقتصادی بیرون می‌کشیدند.

رئیس دانا در واکنش به مبلغ در نظر گرفته شده برای حقوق ماهیانه در این طرح خاطرنشان می‌کند: مسئولان مبلغ ماهیانه ۲۵۰ تا ۳۱۰ هزار تومان را برای این فارغ التحصیلان در نظر گرفته‌اند که به اندازه پول توجیبی چند روز دوران دانشجویی هم نمی‌شود و آن وقت می‌خواهند جوانان مردم با این مبلغ زندگی کنند.

این اقتصاد دان در پایان گفت: مطرح کردن این طرح نشان می‌دهد که پزشکان ما نمی‌توانند آمپول بزنند، مهندسان ما نمی‌توانند محاسبات ساختمانی انجام دهند و جامعه شناسان ما نمی‌توانند از مناطق آسیب دیده نظرسنجی کنند.

جدا از همه انتقاداتی که به شرایط مدیریت و تدریس در دانشگاه‌ها وارد است باید گفت که چنین طرحی نمی‌تواند کمکی به وضعیت کنونی اقتصاد و همچنین بیکاری کشور بکند.





بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

تیتراخبار

این صفحه، اختصاص دارد به تیتراخبارهای کارگری در هفته ای که گذشت. سرفصل جدیدی از بولتن کارگری، که در گسترش اطلاع رسانی اخبار و حمایت از جنبش کارگری به شرح زیر ارایه می شود.

در اعتراض به معوقات مزدی:

/کارگران شهرداری منطقه دو اهواز برای دومین روز تجمع کردند

/روز پنجشنبه در محوطه معدن طلای آق‌دره اتفاق افتاد؛

تجمع اهالی آق‌دره برای «کار» به درگیری منجر شد/دست‌کم ۱۷ تن مصدوم شدند

/تجمع جمعی از کارکنان مترو تهران برای مطالبات مزدی/ پرسنل بهای بی‌تدبیرها را می‌پردازند

/کارگران پیمانی فضای سبز منطقه دو شهرداری اهواز تجمع کردند

/حفاری در گرمای سوزان/ شرکت نفتی‌ها می‌گویند قانون اجرا نمی‌شود

/برگزاری مراسم سومین روز درگذشت کارگر بافقی/ حاضران در مراسم: ایجاد تشکلهای کارگری تنها راه حل است

/بیبست و چهارم خرداد رخ داد؛

/مرگ کولبر جوان سردشتی بر اثر حادثه غیرطبیعی

/اشتغال اتباع خارجی در قشم آزاد شد

/تجمع کارگران مجتمع نی شکر هفت تپه در گرمای ۵۰ درجه

/پاداش کارکنان شرکت ملی حفاری ایران پرداخت نشد

/با توافق نمایندگان کارگری و کارفرما روی داد؛

/اجرای دستورالعمل یکسان مزدی برای کارگران قرارداد مدت موقت بندر خمینی

/کارگران پارس قو تجمع کردند/ پرداخت هزینه دادرسی در توان کارگران نیست

در اعتراض به معوقات مزدی :

/کارگران شهرداری منطقه دو اهواز برای دومین روز تجمع کردند

یک فعال صنفی کارگران کاشی و سرامیک :

/طرح کارورزی در کاشی‌سازی کارایی ندارد/ صورت مسئله بکاری پاک شدنی نیست



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

/ اعتراض صنفی کارگران گسترش صنعت آذربایجان پس از ۸۷ روز خاتمه یافت

/ تجمع کارکنان شرکت بهره برداری مترو تهران

/ کارگران پیمانی فضای سبز منطقه دو شهرداری اهواز تجمع کردند

/ تجمع اعتراضی کارگران شهرداری با سفره ای از برگ درختان

/ کارگران پارس قو تجمع کردند / پرداخت هزینه دادرسی در توان کارگران نیست

جمعی از معلمان در تماس با ایلنا؛

/ مطالباتمان پرداخت نشد؛ به گروگانگیری هم متهم شدیم / معلمان بازنشسته و حق التدریسی‌ها در انتظار پرداخت معوقات انباشته

/ کارگران کوشک بافق خواستار ایمن سازی / به علت مرگ همکارشان دست از کار کشیدند

بازنشستگان فرهنگی سراسر کشور خطاب به نوبخت:

/ جناب نوبخت ما خود از اسیرانیم ، نیازی به گروگانگیری و گروکشی نیست.

/ تجمع کارگران آجرماشینی فدک در مقابل فرمانداری گلوگاه

/ ادامه تجمعات اعتراضی کارگران فضای سبز شهرداری اهواز

/ تهدید کارگران معترض به اخراج بجای پرداخت مطالباتشان! فضای سبز شهرداری

/ تجمع اعتراضی کارگران شهرداری منطقه ۲ آبادان برای سومین بار در ماه جاری!

/ تجمع کارگران شرکت ماهی کارون شوشتر در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی!

/ مطالبات راننده‌های معدن زمستان یورت فراموش شده/ پول بنزین مورد نیاز برای روشن کردن ماشین‌هایمان را نداریم

/ کارگران پیمانکاری معدن مس سرچشمه خواهان قرارداد کتبی با درج شرایط اضافه کاری شدند!

/ اعتصاب رانندگان تاکسی و اتوبوس در کرمانشاه

/ تجمع اعتراضی دانشجویان دکتری سراسر کشور نسبت به وضعیت معیشتی

***/ تجمع اعتراضی دانشجویان روزانه دکتری دانشگاه های تهران مقابل وزارت علوم**

***/ تجمع اعتراضی دانشجویان دکتری دانشگاه بوعلی همدان**

***/ تجمع اعتراضی دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی**



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ / ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۰

- / مرگ کارگر مقنی جوان در ساوه بر اثر گازگرفتگی
- / مسمومیت ۸ کارگر کارخانه تولید «فوم» کهریزک
- / مقابل ساختمان استانداری خوزستان انجام شد؛
- / اعتراض کارگران منطقه هشت شهرداری اهواز وارد دومین روز شد
- / کارگران ایرانی شاغل در یک شرکت عراقی از شرایط شغلی ناراضیند
- / در نشست «واکاو کار کودکان» مطرح شد؛
- / «کار کودک» محصول سیاست‌های غلط اقتصادی
- در منطقه ویژه ماهشهر رخ داد؛
- / مصدومیت دو کارگر پتروشیمی غدیر
- / مقابل ساختمان شهرداری مرکزی اهواز انجام شد؛
- / کارگران منطقه سه و هشت شهرداری اهواز تجمع کردند
- / تجمع اعتراضی مجدد کارکنان گروه ملی فولاد مقابل استانداری اهواز
- / تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فولاد یاسوج نسبت به توخالی در آمدن وعده های مسئولان مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد
- / بادعوت سندیکاهای فرانسوی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد ۲۲ خرداد به پاریس پرواز کرد
- / فعال کارگری مجد جراحی در بیمارستان بستری شد
- / هیچ نظارتی بر معادن نداریم/ کارگران ماه ها حقوق نمی‌گیرند
- / جان باختن یک کارگر معدن زغال سنگ یاقوت شهر بخش طغرل الجرد کوهبنان بر اثر گازگرفتگی
- برای دومین روز متوالی اتفاق افتاد:
- / اعتراض صنفی کارگران توسعه صنعت آذربایجان/ طلبکاران اموال کارخانه را مصادره کردند
- / طلب مزدی کارگران آجر ماشینی از ۵ ماه گذشت/ بدهی بیمه‌ای کارفرما یکساله شد
- / طرح کارگری دائم پس از ۳ سال اعتراضات کارگران پست های فشارقوی برق به امضا رسید!
- / پرداخت قطره چکانی مطالبات کارگران کارخانه آذر آب اراک بدنبال اعتراضات دامنه دارشان!
- / وعده اجرای تبصره یک ماده ۷ قانون کار پس از ۲۷ سال!
- / عدم پرداخت ۲ ماه حقوق بیش از هزار کارگر معدن زغال سنگ طزره
- / جان باختن یک کارگر جوان در ساوه بر اثر برق گرفتگی